**آثار سریع وحدت و حضور ملی در صحنه بین المللی!**

نمیدانم سخنم را با چه جمله ای آغاز کنم که شایسته تقدیر و تشکر از ملت بیدار، هشیار، روشن و ساعی در برخورداری از بینش سیاسی لازم باشد. تنها میتوانم به این جمله بسنده کنم که پیروزی در این انتخابات تنها به یک فرد و یا جناح خاص مختص نبوده و این پیروزی ملت است که میخواهد راه خود را به درستی بپیماید و به جای بر هم زدن اساس و بنیان آنچه برایش خونها داده است، تلاش دارد سره ها را از ناسره ها و سیاهی را از سفیدی، پاکی را از رذالت، امید را از یأس، غیرت را از لاقیدی و در یک کلام بودن را از نبودن و پویایی را از ایستایی جدا سازد. این پیروزی نوش جان ملت بزرگوار، اهداف عالی ملی و تمامی مسئولان دلسوز این نظام و کشور باشد.

دوستان، بی دلیل نیست که فیلمهای اصغر فرهای در سطح جهان توانست او را به درجه ای از موفقیت برساند که در سطح بین المللی و در عالم هنر انگشت نما سازد و چون حلقه افتخاری بر انگشتر دست مهر و دوستی ایران زیبنده باشد. او در آثارش از دگردیسی، از لاک برآمدن ملتی در لایه های شهری، از روابط اجتماعی که بخیه پیوندهای سنتی آن تاب یکپارچه کردن را ندارد، سخن به میان آورده است. او در آثارش همانی را بیان داشته است که ما روز جمعه شاهدش شدیم.

امروز دنیا فهمید که دیگر ایرانی میداند به کجا میرود. ایرانی نمونه ای بارز و معاصر از روند رو به دمکراسی انقلاب فرانسه است؛ ایران و ایرانی با تصمیم گیری بر دگردیسی سیاسی خود به هر گونه قیام گرایی و دشمنی "نه" گفت. ایرانی تمثیلی عینی شد از اراده مردم آفریقای جنوبی در دوران ماندلا... نمونه ای شد از حرکت رو به جلو مردم فرانسه در انتخابات چند هفته پیش... نمونه ای شد از حرکت عاقلانه مردم هند... نمونه ای بارز شد از عقلانیت سیاسی و تحول رو به فزونی بینش سیاسی- اجتماعی دنیای مدرن و مهمتر از همه الگویی شد برای بسیاری از کشورهای عربی که با کج روی خود در بهار عربی هنوز هم خون میگریند. ایرانی نشان داد که صدای حق طلبی و مسیر درست پیمودن را چگونه به گوش دنیا برساند.

آری؛ دنیا!.. سخنم بر حسب وظیفه و حیطه تخصصم مربوط خواهد بود به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در ایجاد تحولات در صحنه بین المللی. زیرا مهمترین بخش از مقوله سیاسی آینده کشورمان به این قضیه مربوط خواهد بود. زیرا ملت دیگر به همه، از دوست و دشمن گرفته تا همه عالم ثابت کردند که منافع ملی خود را با چنگ و دندان حفظ می نمایند و بر پای آن بسان دوران دفاع مقدس این بار با آرامش و شور خاص می ایستند و برای حفظ ارمانها و خواسته های خود همچون پیکری واحد میشوند. از این رو مهمترین بخش سیاست دولت جدید را همانا مسایل بین المللی و ادامه اثبات حقانیت ملت ایران و احقاق بقیه حقوق به ناحق قبضه شده تشکیل خواهد داد. دولت جدید بعد از این میرود تا ساختار غلط برخورد با ایران و موازنه های سیاسی را که در دشمنی با ایران عزیزمان شکل گرفته، بشکند و با درایت و دیپلماسی گفتمان و منطق قدرت منطقه ای و بین المللی ایران را محرز سازد.

بعد از کسب نتیجه انتخابات ریاست جمهوری تحولاتی که انتظار میرود، به صورت گامی رو به جلو نماد بیابند؛ بازنگری و قرائت جدید کشورهای مختلف اعم از روسیه، ایالات متحده آمریکا، اروپا و حتی چین است. همانطور که مشخص است روسیه همیشه ایران را به عنوان کشوری تجرید شده از جامعه غربی و فاقد روابط نه چندان بهینه با کشورهای اروپایی دانسته و ترجیحش بر این بوده است که ایران را به هر نحوی از انحاء از نظر نظامی و سیاسی متفق خود ساخته و تا حد حیاتی به خود وابسته تر سازد. از این رو روی کار آمدن دولت تعدیل و تدبیر تا حدودی برخی از انتظارات این کشور را نسبت به ایران دچار مشکل کرده است. اما این بدان معنا نیست که دیگر روسیه روابطش را کاهش خواهد داد. بلکه بر اساس اهداف میان مدت و بلند مدت دستگاه دیپلماسی ایران تنظیم و در نشستها به آن خواهد پرداخت. شاید به طور نمونه میتوان نشست آتی ژنو را که قرار است تدوین قانون اساسی سوریه مطرح شود، ایران به عنوان یکی از مشاوران اصلی در تدوین و شکل گیری مفاد قانون اساسی سوریه باشد. این خود یکی از موفقیتهایی است که انطباق دقیق با خاستگاه مقام رهبری و اهداف نظامی کشورمان دارد. در واقع این موفقیت خط بطلانی بر ادعای آن دسته از مدعیان خواهد کشید که گفته اند پردازش به قضیه سوریه فراتر از توان ریاست جمهوری و حتی شورای امنیت ملی است.

از دیگر تحولاتی که گمان میرود بعد از نتیجه انتخابت حاصل شود، رویکرد دولت به مسایل مربوط به همسایگان به ویژه عربستان سعودی و ترکیه خواهد بود. البته بدیهی است که تمامی این تخمینها در مدت زمان بسیار نزدیک رخ نخواهد داد و دولت جدید تمامی دینامیکهای لازم را در یک مقطع خاص بکار نخواهد برد؛ ولی حرکت رو به جلو را به مرور شاهد خواهیم بود. گرچه در دوران پیش از انتخابات نامزدهای انتخاباتی در بیان سیاست خارجی خود اقدام نکرده و مدیران مناظرات نیز جایی برای آن در نظر نگرفتند. لیکن با توجه به اینکه سیاست دولت جدید تلاش در رفع معضلات اقتصادی، رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی، توسعه و شکوفایی بخش گردشگری، بستر سازی برای جلب سرمایه گذاریهای خارجی است؛ از این رو به نظر میرسد که برای رسیدن به این اهداف لازم است که میزان تنش میان ایران با سایر کشورها بسیار کاهش یافته و به حد قابل انتظاری برسد. از این رو نتیجه چنین سیاستی منجر به گشودن باب مذاکرات برای خاتمه مخاصمات سیاسی با کشورهای همسایه خواهد بود. از سویی نیاز سیاست خارجی ایران در انجام پاتک دیپلماسی در برابر تشکیل قطب عربی- اسلامی- سنی که با هدایت اسرائیل سعی میشود در برابر ایران شیعه انجام گیرد، لازم است که چنین تحولاتی رخ دهد.

فراموش نکنیم که در طول سالهای گذشته علیرغم نبود رابطه سیاسی میان ایران- آمریکا و همچنین تضاد و تقابل اهداف سیاسی دو کشور با همدیگر، سیاستگذاریهای مقطعی و ناخواسته ای از سوی هر دو کشور انجام گرفته که برای طرفین زیانبار بوده است. سیاست آمریکا غالباً در برابر ایران به صورت سیاست هشدار بوده است که بعد از این به نظر میرسد که چهره جدید سیاست خارجی آمریکا در برابر ایران نیز مشخص خواهد شد.

باز نباید نادیده بگیریم که تیم دکتر روحانی در امر سیاست خارجی و هدایت آن از سوی دکتر ظریف کاملاً مشخص کرده است که نظام بین الملل بر روی مذاکرات آنان حساب باز می کند و تیم دیپلماسی ایران را که دوباره فعالتر هم خواهد شد، بسی جدی گرفته و با درک اشرافیت این تیم در جوانب متعدد، به نوعی اصولی تر و منطقی تر عمل خواهند کرد. البته ناگفته نماند که این اظهار نظر را رئیس اسبق کمیته حقوقی سازمان ملل نیز معترف شده بوده است.

خوشبختانه با موفقیت دولت روحانی در انتخابات اخیر، کشورهای اروپایی نیز دیگر نیازمند تدبیر در سیاست ثانوی نخواهند شد. زیرا میدانند که راهی را که در دوره دولت قبل آغاز کرده اند، باید ادامه بدهند و این خواهد توانست بسیاری از موفقیتهای ایران را در سیاست خارجی پیش روی بگذارد.

در هفته های آتی نسبت به تحولات انجام یافته ، بیشتر به جزییات خواهم پرداخت.